

سهم هوش هیجانی و هوش شناختی با پیشرفت تحصیلی

The Impact of Emotional Intelligence and Cognitive Intelligence on
Education Progress

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱/۲۹، تاریخ دریافت نسخه نهایی: ۱۳۹۱/۸/۲۱، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۲/۲۳

K. Farajihorani., (Ph.D)
sanaaa1380@yahoo.com

کبری فرجی حرانی^۱

Abstract: In this research the relationship between Emotional Intelligence (EI) and Cognitive Intelligence (CI) with education progress and their role has been reviewed. The research samples are Tehran high school students, grade one during year 2010-2011. 16486 samples of students were selected according to Morgan table and 420 students were selected as a research sample via cluster random sampling. The data was collected by using 2 standard instruments: Rion adult's intelligence test and bar-N intelligence test. Data were analyzed by using t-test, Pearson correlation test, χ^2 test and the below results were gained. Also, the Emotional Intelligence in comparison with Cognitive Intelligence had a more effective role in the student's education progress. Moreover, there is a significant difference between feminine and masculine students in the case of (EI).

چکیده: در این پژوهش رابطه میان هوش هیجانی و هوش شناختی با پیشرفت تحصیلی و نقش هر یک از آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری تحقیق کلیه دانش‌آموزان سال اول دبیرستان شهر تهران در سال تحصیلی ۸۹ - ۸۸ هستند که از میان آن‌ها (۱۶۴۸۶ نفر) طبق جدول مورگان حجم نمونه برآورد شد و ۴۲۰ نفر از دانش‌آموزان به عنوان نمونه تحقیق به روش تصادفی خوشه‌ای انتخاب شده‌اند. برای جمع‌آوری اطلاعات از دو نوع ابزار استاندارد شامل آزمون سنجش هوش ریون بزرگسال و آزمون سنجش هوش هیجانی بار - ان استفاده گردید و داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری آزمون t همبستگی پیرسون، آزمون χ^2 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و در نهایت نتیجه کلی زیر به دست آمد. هم‌چنین هوش هیجانی در مقایسه با هوش شناختی سهم بیشتری در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان داشته است. در ضمن بین دانش‌آموزان دختر و پسر در هوش هیجانی و مولفه آن تفاوت معناداری مشاهده شد.

Keywords: Emotional Intelligence, Cognitive Intelligence, Education progress, High school

کلیدواژه‌ها: هوش هیجانی، هوش شناختی، پیشرفت تحصیلی، دوره دبیرستان

مقدمه

اکثر پژوهشگران هوش را مجموعه ویژگی‌ها یا استعدادهایی می‌دانند که به‌طور مستقیم قابل مشاهده نیستند برخی آن‌را یک استعداد کلی و واحد می‌دانند و برخی معتقد به انواع هوش هستند. نکته مسلم آن است که از آغاز مطالعه هوش غالباً بر جنبه شناختی آن نظیر حافظه و حل مسئله تاکید شده است در حالی که ابعاد غیرشناختی، یعنی توانایی‌های عاطفی و کرداری نیز نه تنها پذیرفتنی بلکه ضروری هم هستند.

امروزه دانشمندان معتقدند که هر انسان دارای دو نوع شعور می‌باشد؛ شعوری که متکی بر عقل و اندیشه است و شعوری که عمدتاً متکی بر احساسات و عواطف است، همان‌گونه که ماهیت انسان نه منطقی است و نه احساس و عاطفه صرف؛ بلکه ترکیبی از هر دوی آن‌ها. شعور عقلایی و منطقی شیوه درک مسائل از طریق تکیه بر آگاهی، اندیشه و توانایی و تعمق و بررسی و واکنش متقابل است. شعور عاطفی نوعی سیستم آگاهی‌دهنده قدرتمند است که گه‌گاه به گونه‌ای غیرمنطقی عمل می‌کند. این دو شعور یا دو شیوه متفاوت و اساسی آگاهی، بر یکدیگر تاثیر متقابل داشته و حیات ذهنی ما را می‌سازند. در اکثر اوقات این دو شعور به گونه‌ای شگفت‌آور هماهنگ هستند و همان‌قدر که احساسات در مقابل عقل جنبه اساسی دارد، عقل نیز در مواجهه با عواطف عامل بنیادی و مهم به‌شمار می‌رود.

گفتن این نکته ضروری است که هم IQ و هم EQ اندازه‌ای از توانایی هستند نه خود توانایی. نظریه پردازان هوش عاطفی معتقدند که IQ به ما می‌گوید که چه کاری می‌توانیم انجام دهیم؛ در حالی که EQ به ما می‌گوید چه کاری باید انجام دهیم. هوش عاطفی و هوش منطقی رو در روی هم نیستند و خیلی‌ها مقدار زیادی از هر دو را دارند و خیلی‌ها برعکس. دانشمندان به دنبال این هستند که بدانند این دو پدیده، چگونه یکدیگر را تکمیل می‌کنند؛ اما به هر حال اکنون دانشمندان معتقدند که بهترین حالت هوش و استعداد فقط می‌تواند به اندازه ۲۰ درصد در موفقیت فرد نقش داشته باشد و ۸۰ درصد بقیه به عوامل دیگر مربوط می‌شود. این عوامل دیگر را هوش عاطفی می‌دانند.

امروزه مطالعات انجام شده در کشورهای مختلف و نتایج تحقیق حاصل از آن‌ها تایید این دیدگاه است که هوش هیجانی تصویر و شمایی جامع از توانایی شخص برای دستیابی به موفقیت به‌دست می‌دهد. در واقع هوش هیجانی عدم موفقیت افراد دارای هوش عمومی (IQ) بالا و موفقیت غیرمنتظره افراد دارای هوش عمومی (IQ) متوسط را در زندگی به‌خوبی تبیین می‌کند. امید می‌رود که در آینده روان‌شناسان هوش شناختی و هیجانی را برای فهم بهتر توانایی انسان و پیش‌بینی دقیق‌تر موفقیت و سازگاری با محیط با هم تلفیق کنند.

دوره تحصیلات آموزشگاهی فرصت مغتنمی برای فراگیری فنون ارتباطی و اجتماعی مثبت است. این موضوع نه تنها به سبب ارزش ذاتی آن، بلکه بدین علت است که این دوره آموزشی پس از خانواده مهم‌ترین منبع جامعه‌پذیری هر فرد به‌شمار می‌آید. اگر چه در ساختاری که بیشترین تمرکز سیاست‌گذاران، مسئولان و کادر آموزشی بر آزمون‌های نهایی و نمرات است، گروه‌بندی دانش‌آموزان عمدتاً براساس توانایی‌های شناختی صورت می‌گیرد، فرایند سنجش و ارزشیابی مطابق عرف تنها شامل ارزیابی نتایج آزمون‌های نهایی است که در پایان دوره آموزشی به‌منظور تعیین پیشرفت تحصیلی و رتبه‌بندی صورت می‌گیرد، تمامی تلاش معلم، دانش‌آموز، والدین و کل نظام آموزشی معطوف به آزمون‌های نهایی و نمره آن‌ها است و ماحصل همه زحمات‌ها در یک عدد یک یا دو رقمی خلاصه می‌شود، که نه تنها ملاک قضاوت و تصمیم‌گیری در خصوص دانش‌آموز است بلکه نوعی ارزشیابی از عملکرد معلم، مربی مدیر، والدین و نظام آموزشی نیز تلقی می‌شود. در چنین شرایطی تاکید بر مهارت‌های هیجانی و اجتماعی و تقویت آن کاری سخت دشوار و بیرون از هنجار به‌نظر می‌رسد.

اما مدرسه فی‌نفسه و به‌دلیل ماهیت اجتماعی خود و شبکه‌های ارتباطی برآمده از آن سرشار از چنین موهبت بالقوه‌ای است. چه، آدمی اعم از کودک و نوجوان بدون کمک بیرونی که مستلزم یک محیط اجتماعی پرورشی است. نمی‌تواند واجد اساسی‌ترین ساختارهای ذهنی و کنش‌وری هیجانی خود گردد و در تمام ترازها از پایین‌ترین سطوح، عامل اجتماعی یا تربیتی، شرط تحول است.

با این نگاه، مدرسه تبدیل به یک محیط پرورشی می‌شود؛ محیطی که خانواده همواره موفق به ایجاد آن نمی‌گردد و لذا این محیط و انجام مداخلاتی در چهارچوب آن با هدف ارتقای سطح کنش‌وری فرد (چه در سطح شناختی و چه در سطح هیجانی) در حکم شرایط اضطراری یک تحول عقلی و عاطفی کامل و بهنجار است. افزون بر این، از آن‌جا که آموزش و یادگیری یک فعالیت رفیع هیجانی و اجتماعی است و پیشرفت شناختی دانش‌آموزان به زمینه‌های روان-شناختی آنان نظیر رغبت، اطمینان به خود، حس پیشرفت و کامیابی و هم‌چنین به تعامل‌های اجتماعی با معلمان و همسالانی که برای آنان حمایت شناختی و هیجانی را به‌طور توامان فراهم می‌کنند وابسته است. در سال‌های اخیر و با تحول محیط‌های آموزش مجازی، توجه به زمینه‌های رشد و گسترش هوش هیجانی به‌منزله یک پیش شرط برای بهبود یادگیری دانش‌آموزان افزایش یافته است.

مفهوم هوش هیجانی را می‌توان در موقعیت‌های آموزشی مانند دبیرستان، مدارس فنی، دانشگاه یا برای کمک به روان‌شناسان مدارس و مشاوران در شناسایی دانش‌آموزانی که نمی-

سهم هوش هیجانی و هوش شناختی با پیشرفت تحصیلی

توانند به طور موثر و مکفی با نیازهای تحصیلی‌شان که ممکن است به اخراج از مدرسه یا احتمالاً به مشکلات هیجانی می‌انجامد به کار برد.

به‌منظور راهنمایی و کمک به مشاوران شغلی، نتایج حاصل از آزمون‌های هوش هیجانی را می‌توان به‌عنوان اساس بحث درباره مشاغل و نقطه نظرات تحصیلی بعدی مدنظر قرار داد. مثلاً اگر دانش‌آموزی در مقابله با استرس دچار مشکل باشد و شغل کنترل‌کننده ترافیک هوایی را برگزیند احتمالاً دست به بهترین انتخاب نزده است. به‌علاوه، اگر نیمرخ هوش هیجانی فرد نشان دهد که او غالباً از مهارت‌های بین فردی ضعیفی برخوردار است، مشاور می‌تواند به او توصیه کند که در درس برنامه آموزش مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی ثبت‌نام کند.

در حال حاضر مدارس در همه جوامع با طیف وسیعی از دانش‌آموزان واجد توانایی‌ها و انگیزه‌های گوناگون برای یادگیری مواجهند؛ دانش‌آموزانی که پاره‌ای از نظر تحصیلی افرادی متعهد و موفقند، مشتاقانه در کلاس‌ها حضور می‌یابند و به فعالیت‌های فوق برنامه نیز می‌پردازند در حالی که برخی دیگر از نظر تحصیلی دچار مشکل بوده و احساس تعهد نمی‌کنند. شماری نیز دچار نارسایی‌هایی در صلاحیت هیجانی-اجتماعی‌اند، بنابراین یا در یادگیری با دشواری روبرو هستند یا در مقایسه با همسالان خود دارای مشکلات تحصیلی‌اند.

هدف کلی پژوهش حاضر تعیین سهم هوش هیجانی و هوش شناختی در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و هم‌چنین تعیین رابطه هوش هیجانی و هوش شناختی در بین دانش‌آموزان دختر و پسر می‌باشد.

بر این اساس در این تحقیق سوالات زیر مورد بررسی قرار گرفته است:

۱. آیا بین هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی رابطه معناداری وجود دارد؟
۲. آیا بین هوش شناختی و پیشرفت تحصیلی رابطه معناداری وجود دارد؟
۳. آیا بین هوش هیجانی و هوش شناختی رابطه معناداری وجود دارد؟
۴. آیا هوش هیجانی در مقایسه با هوش شناختی سهم بیشتری در پیشرفت تحصیلی دارد؟
۵. آیا بین دانش‌آموزان دختر پسر در هوش هیجانی و مولفه‌های آن تفاوت معناداری وجود دارد؟

روش تحقیق، جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر با توجه به موضوع و ماهیت آن از نوع توصیفی و به روش زمینه‌یابی است. جامعه تحقیق، کلیه دانش‌آموزان دوره دبیرستان شهر تهران در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ به تعداد

۱۶۴۸۶ نفر بودند که از این تعداد با استفاده از شیوه نمونه‌گیری خدشه‌ای ۴۲۰ دانش‌آموز دختر و پسر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند.

ابزار گردآوری اطلاعات

ابزاری که در این تحقیق برای اندازه‌گیری متغیرها استفاده شده عبارتند از: پرسش‌نامه آزمون هوش هیجانی بار- آن برای سنجش هوش هیجانی و پرسش‌نامه هوش ریون، برای سنجش هوش شناختی. برای تعیین هماهنگی درونی و میزان ضریب اعتبار پرسش‌نامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

تحلیل داده‌ها براساس اهداف پژوهش با استفاده از دو روش آمار توصیفی، آمار استنباطی به شرح زیر انجام شده است: براساس تعیین مشخصه آماری گروه‌ها (دختر و پسر) برحسب متغیرهای جمع‌آوری شده (جنسیت، سن، رشته تحصیلی) از روش‌های متداول آمار توصیفی، مانند توزیع فراوانی، شاخص‌های گرایش به مرکز و شاخص‌های پراکندگی استفاده شده است. برای تعیین سهم هریک از متغیرهای مستقل (هوش هیجانی و هوش شناختی) در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان روش آمار استنباطی ضریب همبستگی پیرسون، آزمون k^2 استفاده شده و برای مقایسه نقش این دو متغیر از آزمون T استفاده شده است.

یافته‌ها

یافته‌هایی که در نتیجه بررسی و تدوین داده‌ها به‌دست آمده است به‌شرح زیر می‌باشد:

جدول ۱. تحلیل واریانس تیمارهای سه‌گانه پیشرفت تحصیلی در مولفه‌های هوش هیجانی و هوش

شناختی دانش‌آموزان

		مجموع توانهای دوم	درجه آزادی	میانگین توان های دوم	ضریب F	ضریب، Sig. معنی‌داری
هوش هیجانی	تیمارها (Combined)	153.467	2	76.734	48.258	.000
	Within Groups	626.493	394	1.590		
	جمع	779.960	396			
هوش شناختی	تیمارها (Combined)	12.806	2	6.403	6.947	.001
	Within Groups	363.154	394	.922		
	جمع	375.960	396			

سهم هوش هیجانی و هوش شناختی با پیشرفت تحصیلی

براساس نتایج جدول فوق در خصوص میانگین هوش هیجانی دانش‌آموزان در گروه‌های سه-گانه پیشرفت تحصیلی چون $F=48.252$ از شرایط بحرانی $F_{0/05, 2, 394}=3$ بیشتر است بنابراین فرض صفر رد می‌شود و تفاوت معنی‌داری بین گروه‌های پیشرفت تحصیلی در میزان هوش هیجانی وجود دارد به عبارت دیگر اختلاف موجود بین تیمارهای ۳ گانه ناشی از تصادف و شانس نیست و عامل هوش هیجانی بر پیشرفت تحصیلی تاثیر معنی‌داری دارد.

در خصوص میانگین هوش شناختی دانش‌آموزان در گروه‌های سه‌گانه پیشرفت تحصیلی چون $F=6.947$ از شرایط بحرانی $F_{0/05, 2, 394}=3$ بیشتر است. بنابراین فرض صفر رد می‌شود و تفاوت معنی‌داری بین گروه‌های پیشرفت تحصیلی در عامل هوش شناختی وجود دارد به عبارت دیگر اختلاف موجود بین تیمارهای ۳ گانه ناشی از تصادف و شانس نیست و عامل هوش شناختی نیز همانند هوش هیجانی بر پیشرفت تحصیلی تاثیر معنی‌داری دارد.

در جدول زیر (جدول ۲) براساس روش تحلیل واریانس شفه (کمترین اختلاف معنی‌داری میانگین‌ها) نشان داده‌ایم که کدامیک از گروه‌های سه‌گانه با سایر گروه‌ها تفاوت بیشتری دارد.

Scheffe

Dependent Variable	(I) NTILES of معدل	(J) NTILES of معدل	Mean Difference (I-J)	Std. Error	Sig.	95% Confidence Interval	
						Lower Bound	Upper Bound
گروه های هوش هیجانی	ضعیف	متوسط	-.60*	.16	.001	-1.00	-.20
		خوب	-1.67*	.18	.000	-2.10	-1.23
	متوسط	ضعیف	.60*	.16	.001	.20	1.00
		خوب	-1.07*	.15	.000	-1.43	-.71
	خوب	ضعیف	1.67*	.18	.000	1.23	2.10
		متوسط	1.07*	.15	.000	.71	1.43
گروه های هوش شناختی	ضعیف	متوسط	-.1702	.1229	.384	-.4720	.1317
		خوب	-.4812*	.1346	.002	-.8119	-.1505
	متوسط	ضعیف	.1702	.1229	.384	-.1317	.4720
		خوب	-.3110*	.1128	.023	-.5882	-3.E-02
	خوب	ضعیف	.4812*	.1346	.002	.1505	.8119
		متوسط	.3110*	.1128	.023	*****	.5882

*. The mean difference is significant at the .05 level.

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد در مولفه هوش هیجانی بین گروه‌های مختلف پیشرفت تحصیلی با سایر گروه‌ها در این مولفه تفاوت معنی‌داری وجود دارد اما در مولفه هوش شناختی گروه ضعیف با گروه متوسط از نظر هوش شناختی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. از آن‌جا که هم هوش هیجانی و هم هوش شناختی دانش‌آموزان بر پیشرفت تحصیلی آن‌ها تاثیر خود را نشان داده‌اند بهتر دیدیم در جدول زیر در عوامل ۱۵ گانه هوش هیجانی بین سه گروه پیشرفت تحصیلی نیز جدول تحلیل واریانس تک‌متغیره را محاسبه و به صورت ذیل ترسیم نماییم.

		Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
حل مسله	(Combined)	2.426	2	1.213	.549	.578
	Within Groups	869.831	394	2.208		
	Total	872.257	396			
خوشبختی و شادمانی	(Combined)	21.853	2	10.926	6.032	.003
	Within Groups	713.653	394	1.811		
	Total	735.506	396			
استقلال	(Combined)	13.651	2	6.825	3.200	.042
	Within Groups	840.375	394	2.133		
	Total	854.025	396			
تحمل فشار روانی	(Combined)	43.045	2	21.523	9.778	.000
	Within Groups	867.227	394	2.201		
	Total	910.272	396			
خود شکوفایی	(Combined)	1.474	2	.737	.400	.670
	Within Groups	712.600	387	1.841		
	Total	714.074	389			
خود گامی	(Combined)	2.984	2	1.492	.779	.460
	Within Groups	754.986	394	1.916		
	Total	757.970	396			
واقفگرایی	(Combined)	1.521	2	.761	.416	.660
	Within Groups	720.388	394	1.828		
	Total	721.909	396			
روابط بین فردی	(Combined)	7.076	2	3.538	1.624	.198
	Within Groups	858.561	394	2.179		
	Total	865.637	396			
خوش بینی	(Combined)	44.249	2	22.124	13.357	.000
	Within Groups	652.628	394	1.656		
	Total	696.877	396			
عزت نفس	(Combined)	76.204	2	38.102	21.211	.000
	Within Groups	707.756	394	1.796		
	Total	783.960	396			
کنترل تکلیف	(Combined)	20.027	2	10.014	5.048	.007
	Within Groups	781.529	394	1.984		
	Total	801.557	396			
تعطیلات پذیری	(Combined)	17.343	2	8.671	4.843	.008
	Within Groups	705.453	394	1.790		
	Total	722.796	396			
مسئولیت پذیری اجتماعی	(Combined)	7.092	2	3.546	1.675	.189
	Within Groups	833.905	394	2.117		
	Total	840.997	396			
همدلی	(Combined)	45.571	2	22.785	14.385	.000
	Within Groups	624.067	394	1.584		
	Total	669.637	396			
خود برآزی	(Combined)	70.876	2	35.438	19.564	.000
	Within Groups	713.699	394	1.811		
	Total	784.574	396			

سهم هوش هیجانی و هوش شناختی با پیشرفت تحصیلی

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد در مولفه‌های حل مساله، خودشکوفایی، خودآگاهی، واقع-گرایی، رابطه بین فردی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی تفاوت معنی‌داری بین میانگین هوش هیجانی این مولفه‌ها در گروه‌های سه‌گانه پیشرفت تحصیلی وجود ندارد و اختلاف بین این مولفه‌های ناشی از تصادف و شانس است و بین میانگین مولفه‌های خوشبختی، استقلال، تحمل فشار روانی، خوش‌بینی، عزت‌نفس، کنترل تکانش، انعطاف‌پذیری، همدلی و خودابرازی تفاوت معنی‌داری وجود دارد و این مولفه‌های هوش هیجانی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تاثیر فراوانی دارند.

جدول ۴. همبستگی هوش هیجانی و هوش شناختی دانش‌آموزان در کل نمونه

Correlations

		هوش شناختی
هوش هیجانی	Pearson Correlation	.084
	Sig. (2-tailed)	.096
	N	397

نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد در کل نمونه بین نمرات هوش هیجانی و هوش شناختی دانش‌آموزان رابطه مستقیم وجود دارد اما این رابطه معنی‌دار نیست بدین معنی که افزایش یکی از این دو عامل مستقیماً بر دیگری تاثیر می‌گذارد اما این میزان تاثیرگذاری قابل اطمینان نیست.

اکنون در جداول ذیل آزمون کرده ایم که بین نمرات هوش هیجانی و هوش شناختی به تفکیک جنسیت آیا رابطه ای برقرار است؟ و این رابطه چگونه است؟

جدول ۵. همبستگی هوش هیجانی و هوش شناختی دانش‌آموزان دختر

Correlations

		هوش شناختی
هوش هیجانی	Pearson Correlation	.152*
	Sig. (2-tailed)	.026
	N	216

*. Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد بین نمرات هوش شناختی و هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر در سطح اطمینان ۹۵ درصد، رابطه‌ای مستقیم و معنی‌دار وجود دارد و با افزایش یا کاهش میزان هوش هیجانی هوش شناختی نیز افزایش یا کاهش می‌یابد و بالعکس.

جدول ۶. همبستگی هوش هیجانی و هوش شناختی دانش‌آموزان پسر

Correlations

		هوش شناختی
هوش هیجانی	Pearson Correlation	.133
	Sig. (2-tailed)	.075
	N	181

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد بین نمرات هوش شناختی و هوش هیجانی دانش‌آموزان پسر در سطح اطمینان ۹۵ درصد، رابطه‌ای مستقیم وجود دارد اما این رابطه معنی‌دار نیست و نمی‌توان این اطمینان را داشت که با تغییر هوش هیجانی پسران هوش شناختی آن‌ها نیز تغییر چندانی نشان دهد.

جدول ۷. همبستگی هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر

Correlations

		هوش هیجانی
پیشرفت تحصیلی	Pearson Correlation	.436**
	Sig. (2-tailed)	.000
	N	397

** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد بین نمرات هوش هیجانی دانش‌آموزان و پیشرفت تحصیلی آن‌ها در سطح اطمینان ۹۹ درصد، رابطه‌ای کاملاً مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. می‌توان با اطمینان گفت که افزایش یا کاهش هوش هیجانی دانش‌آموزان موجب افزایش و کاهش پیشرفت تحصیلی آن‌ها است.

جدول ۸. همبستگی هوش شناختی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان

Correlations

		هوش شناختی
پیشرفت تحصیلی	Pearson Correlation	.181**
	Sig. (2-tailed)	.000
	N	397

** . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد بین نمرات هوش شناختی دانش‌آموزان و پیشرفت تحصیلی آن‌ها در سطح اطمینان ۹۹ درصد، رابطه‌ای کاملاً مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. می‌توان با اطمینان گفت که افزایش یا کاهش هوش شناختی دانش‌آموزان موجب افزایش و کاهش پیشرفت تحصیلی آن‌ها است.

جدول ۹. آزمون T وابسته به جنس بین مولفه‌های ۱۵ گانه هوش هیجانی دانش‌آموزان

Independent Samples Test

	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	Std. Error Difference
حل مسئله	-2.995	395	.003	-1.7956	.5996
خوشبختی	2.985	395	.003	1.1275	.3777
استقلال	.245	395	.806	7.998E-02	.3261
تحمل فشار	.805	395	.421	.2899	.245
خودشکوفایی	-.857	388	.392	-.3117	.805
خودآگاهی	-.429	395	.668	-.1395	-.857
واقع‌گرایی	-1.134	395	.257	-.4839	-.429
روابط بین فردی	1.073	395	.284	.3618	-1.134
خوشبینی	2.472	395	.014	.8217	1.073
عزت نفس	6.587	395	.000	2.2226	.3374
کنترل تکانش	.822	395	.412	.3633	.4420
انعطاف پذیری	1.167	395	.244	.3437	.2944
مسئولیت پذیری	-3.123	395	.002	-1.1290	.3615
همدلی	-5.060	395	.000	-1.6424	.3246
خودآبرازی	2.338	395	.020	.7286	.3116

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد در مولفه‌های استقلال، تحمل فشار روانی، خودشکوفایی، خودآگاهی، واقع‌گرایی و رابطه بین فردی تفاوت معنی‌داری بین میانگین مولفه‌های ۱۵ گانه

هوش هیجانی بین دو جنس وجود ندارد و بین میانگین مولفه‌های حل مساله، خوشبختی، خوش‌بینی، عزت‌نفس، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، همدلی و خودابرازی تفاوت معنی‌داری بین دو جنس وجود دارد.

در جدول زیر میانگین نمرات هریک از مولفه‌های ۱۵ گانه هوش هیجانی آورده شده است تا تعیین گردد کدام یک از دو جنس از نظر میانگین در هر مولفه برتر از دیگری است.

بحث و نتیجه‌گیری

هوش هیجانی و نقش آن در پیشرفت تحصیلی از جمله مواردی است که در مقایسه با موضوعات دیگر در دهه‌های اخیر، حجم کمتر و گستره محدودتری از تحقیقات به خود اختصاص داده است.

از سوی دیگر انتظار از یک نظام آموزشی وسیع‌تر از دستیابی به دانش مرتبط با برنامه درسی است که در مدارس تدریس می‌شود و از این منظر آموزش نه یک هدف بلکه به‌منزله وسیله‌ای است با هدف صلاحیت‌مند ساختن دانش‌آموزان برای زندگی، صلاحیت‌هایی که در سطوح مختلف زندگی و رشد و تحول فردی به‌مثابه یک پیوستار از معانی کاملاً متفاوتی برخوردارند. درک اهمیت این موضوع و تغییر بازخوردهای جهانی، خط جدیدی از تحقیقات را رقم زده است و توجه به هوش هیجانی فی‌نفسه منعکس‌کننده چنین تغییر نگرشی است.

هوش هیجانی سازه‌ای نسبتاً جدید و مرتبط با کنش‌وری اجتماعی است. به اعتقاد مولفان رفتار اجتماعی - که به‌عبارتی منعکس‌کننده هوش هیجانی است - و رفتار تحصیلی آن‌چنان به هم پیوسته‌اند که تقویت فعالیت‌های تحصیلی بدون تقویت آن دسته از رفتارهای اجتماعی و هیجان‌های نظم‌یافته‌ای که فعالیت‌های تحصیلی را ممکن می‌سازند، بسیار دشوار است.

امروزه دیگر بدیهی است که پرداختن به چالش‌های اجتماعی - هیجانی که در ارتباط و عملکرد دانش‌آموزان در مدرسه تداخل ایجاد می‌کنند الزامی است. مقوله‌هایی نظیر انضباط، نارضایتی، بی‌مسئولیتی، دلسردی، از خودبیگانگی و ترک تحصیل اغلب موفقیت در مدرسه را محدود و یا با شکست مواجه می‌سازند. اگرچه هنوز مدارس برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌هایی که نتوان فواید مشخص و روشنی را در قبال آن برای پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان انتظار داشت، آن‌گونه که در نمرات امتحانی منعکس می‌شود، تردید دارند.

امروزه با تکیه بر انبوه داده‌های علمی و سازمان‌یافته جای هیچ شبهه‌ای باقی نیست که پیش‌بینی موفقیت‌های فرد به‌ویژه در زمینه‌های آموزشگاهی تنها با توسل به ترکیب پیچیده‌ای از عوامل پیوسته ممکن است. به‌عبارت دیگر، دست یافتن به سطح بالا و قابل قبولی از مهارت-

سهم هوش هیجانی و هوش شناختی با پیشرفت تحصیلی

های شناختی در دانش‌آموزان از طریق رشد موزون جسمانی، شناختی، کلامی، روان‌شناختی، اجتماعی و اخلاقی امکان‌پذیر است (کامر، ۱۹۹۴). به این معنی که دانش‌آموزان احتمالاً قادر به یادگیری موضوعات درسی نخواهند بود. مگر این‌که در همه ابعاد متحول شده باشند و راه رسیدن به این هدف، تغییر مدارس به یک اجتماع یادگیری است.

تجربه و تحقیق نشان داده که تقویت قابلیت‌های هیجانی و اجتماعی در کودکان و نوجوانان، حلقه گمشده ما در زنجیره تلاش در جهت بهبود وضعیت تعلیم و تربیت است. این در حالی است که یادگیری، عملاً در مدارس به محصول نهایی آن تقلیل می‌یابد. تمرکز بر نتایج و فرآورده‌های آموزشی نه تنها توانایی ما را برای دیدن آنچه در فرایند یادگیری نهفته است، محدود می‌کند، بلکه بسیاری از دانش‌آموزانی را که دارای ادراکات منفی نسبت به خود شده‌اند از مدرسه دور می‌سازد.

با تاکید بر روابط و فرایندهای اجتماعی، مدارس به محیط‌هایی تبدیل خواهند شد که می‌توانند یادگیری را به‌عنوان بخش مهمی از زندگی دانش‌آموزان درآورند و در چنین حالتی دانش‌آموزان صرفاً به‌دلیل امتحان دادن یاد نمی‌گیرند. همان‌طور که کامر خاطر نشان می‌کند، روابط مستحکم، بنیاد یک جامعه است اعم از این‌که این اجتماع متشکل از معلمان، والدین یا دانش‌آموزان باشد یا اجتماعی از شاگردان که آن‌را مدرسه می‌نامیم.

براساس پژوهش‌های انجام شده (برای مثال زینز، بلادورث، ویسبرگ و والبرگ، ۲۰۰۴) مدارس زمانی به بیشترین میزان موفقیت در انجام مأموریت آموزش و پرورش خود دست می‌یابند که تمام تلاش‌های خود را به‌منظور افزایش یادگیری تحصیلی، اجتماعی و هیجانی یکپارچه سازند و شعاع توجه خود را از قلمرو توانش‌های شناختی تا حیطه صلاحیت‌های هیجانی و اجتماعی گسترش بخشند.

اگرچه طی سالیان مدید ملاحظات مربوط به آموزش‌های هیجانی و اجتماعی و دستاوردهای مثبت آن به‌منزله پدیده‌ای تجملی، عاملی بی‌اهمیت و فاقد مبنای علمی از دید محققان، خاصه متخصصان تعلیم و تربیت، نادیده انگاشته شده بود در چند سال اخیر پیوندهای درونی مهارت‌های شناختی و هیجانی کاملاً به رسمیت شناخته شده و مورد اقبال قرار گرفته است (کوهن و سندی، ۲۰۰۳). به‌گونه‌ای که امروزه، سهم ترکیبی از عوامل درهم تنیده در پیش‌بینی موفقیت‌های فردی امری پذیرفته شده و مسلم است و مفهوم هوش هیجانی ابزاری سودمند و موثر را برای توصیف شکل‌بندی پیچیده بخشی از این عوامل فراهم آورده است.

منابع

- اسپرلینگ، روان‌شناسی، مترجم محی‌الدین بناب، انتشارات نشر روز، تهران، ۱۳۶۷.
- اسمیت باری دی و ریچارد سی، *انگیزش*، ترجمه ملک عبدالی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۵.
- اکبرزاده، نسرین، *هوش هیجانی: دیدگاه سالوی و دیگران*، نشر فارابی، تهران، ۸۳.
- بنسون، لیفرت و ره‌لکپارتاین، ۱۹۹۹، نقل از گرین برگ و دیگران، ۲۰۰۳.
- بهبزاد، محمود، *تئوری تکامل و روان‌شناسی*، سازمان انتشارات جاویدان، تهران، ۱۳۵۵.
- ژرژ نوازه، ژان پل کاورنی، *روان‌شناسی ارزشیابی تحصیلی*، انتشارات اطلاعات، تهران، ۷۳.
- سیف، علی اکبر، *روان‌شناسی پرورشی*، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۶۸.
- گلمن، دانیل و آنی مکی مک، *هوش هیجانی در مدیریت و رهبری سازمانی*، مترجم بهم ابراهیمی، نشر سازمان مدیریت صنعتی، تهران، ۸۵.
- هیئت مولفان، *روان‌شناسی عمومی*، نشر دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۶.

- Young, D. P., & Dixon, N. M. (1996). *Helping leaders take effective action: A program evaluation*. Greensboro, NC: Center for Creative Leadership.
- Leonard, D. (1996). The impact of learning goals on self – directed change in management development and education. Doctoral Dissertation, case Western Reserve University.
- Wexley, K. N., & Memeroff, W. F. (1975). Effectiveness of positive reinforcement and goal setting as methods of management development. *Journal of Applied Psychology*, 60, 446-450.
- Wheeler, J .V. (1999). The impact of social environments of self-directed change and learning. U npublished Doctoral Dissertation, Case Western Reserve University.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی